



۶

نوای «منای دل» از رادیو بلند خواهد شد

گفت و گو با سامان کجوری، خبرنگار پرس تی وی درباره همه سال‌های فعالیتش در این شبکه

پرتاب ماهواره امید را فراموش نمی‌کنم!



دلیل همکاری جدید آمریکا و ترکیه بر سر سوریه چیست؟

سودای خام اردوغان



رسانه

شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۵۳



۸



صندلی داغ



یادداشت:
خسرو معصومی

کارگردان

ایده‌های جدید را شکار کنیم

در گذشته‌های نه‌چندان دور، در همین تلویزیون سریال‌هایی تولید می‌شد که به زبان طنز هم که شده خیلی خوب از خجالت مفاقد درمی‌آمد. ولی در شرایط فعلی این‌که چنین سریال‌هایی تولید شود به دلایل گوناگون و کم‌تحملی‌ها، سخت شده است. فکر می‌کنم برای آن‌که رسانه ملی به روزهای شکوفایی‌اش بازگردد، چاره‌ای ندارد جز آن که محلی شود برای جذب بهترین ایده‌ها و فیلمنامه‌ها به منظور نقد مفاقدی که به‌واسطه کم‌کاری‌های برخی مدیران ایجاد شده است.

آقایانی که ناظران کیفی سریال هستند وقتی می‌بینند سریال‌هایی تولید می‌شود که کمترین بازخوردی چه به لحاظ سرگرم‌کنندگی، چه به لحاظ انتقادی ندارند نباید همچنان به عنوان ناظر کیفی به فعالیت خود ادامه دهند. ناظر کیفی که فقط نباید به دنبال سانسور باشد. اتفاقاً باید روندی را در پیش گیرد که کیفیت

سریال در عین بازنمایی نقد‌های اجتماعی حفظ شود.

حفظ شغل پردرآمد چه از رژی دارد وقتی می‌بینیم مخاطبان خسته از تکرار گرینانگیر برخی سریال‌ها، به سریال‌های انگلیسی و آمریکایی پناه می‌برند؟ وجدان را باید در همه امور ملاک عملکرد قرار داد و وقتی از نزدیک مشاهده کرد يك تهیه‌کننده یا کارگردان اثرگذاری لازم را در ارتباط با مخاطب ندارد مجدداً به او سفارش کار

نداد. خوشبختانه چیزی که در ایران

زیاد است آدم با استعداد و هنرمند و طور نیست که با حذف يك یا چند تهیه‌کننده نتوانیم نیروهای صاحب‌خلاقیت را جذب کنیم. در تمام رسانه‌های دنیا می‌روند دنبال ایده‌های نو و بکر و دست اول و آدم‌های خلاق و صاحب ایده را با بهترین پیشنهادها جذب می‌کنند تا بتوانند با رسانه‌های رقیب مقابله کنند. به نظرم رسانه ملی هم باید فراخوانی بگذارد برای جذب ایده‌های دست اول و آدم‌های خلاق. باید روالی را بگذاریم جهت جذب استعدادهایی که حرفی برای گفتن دارند. به نظرم اگر این روال وجود داشته باشد سریال‌هایمان در کوتاه‌مدت، جهشی عظیم خواهد داشت. 

«دهد» روی آنتن

شبکه شما می‌رود

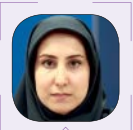
برنامه «دهد» ویژه بیست و دومین جشنواره تولیدات مراکز استان‌های صداوسیما روی آنتن شبکه تلویزیونی شما می‌رود. به گزارش جام‌جم، این برنامه تا پایان جشنواره، هر شب ساعت ۲۱ به صورت زنده از شبکه شما پخش می‌شود. دعوت از اعضای کمیسیون‌های مختلف جشنواره، و ارتباط تلفنی با یکی از هنرمندان در هر قسمت از برنامه نیز از دیگر بخش‌های هدهد است. اجرای برنامه هدهد را محمود گوبرلو برعهده دارد.



مهرداد خوشبخت، کارگردان سریال آچمز درباره ماجراهای این سریال و نزدیک شدن به بعضی خطوط قرمز می‌گوید

کسی حوصله ساخت طنز ندارد

می‌گوید نامش از ابتدا «آچمز» بود، یعنی کسی که در وسط ماجرای گیر کرده و نه راه پیش دارد و نه پس. درست مثل گلکار و مصیّب قصه‌ای که این شب‌ها بعد از مدتی چشیدن طعم تاریخ و ملودرام‌های مختلف در شبکه سه سیما، ماجرای را تعریف می‌کنند که با شیرینی لبخندهای هر چند کوچکی همراه شده است. مهرداد خوشبخت، این بار بعد از «غیرعلنی» باز هم برای حضور در تلویزیون تصمیم گرفت تا در فضایی که چندان جدی نیست، سریالی را روی آنتن ببرد که در آن شاید داستان چندان جدیدی به چشم نمی‌خورد اما به هر حال قصه گوست و می‌تواند برای چند دقیقه هم که شده شما را با خود همراه کند. او بعد از سریال‌های پلیسی‌اش؛ مثل گشت پلیس، گروه ویژه و... مدتی است در حال تجربه دنیای طنز در سریال‌ها شده است.



فاطمه شه دوست

رسانه

اول غیرعلنی و بعد هم آچمز، آن هم پس از مجموعه‌های پلیسی که نامتان با آنها گره خورده است، این نسخه تازه‌ای از مهرداد خوشبخت است؟

این ماجرای است که خیلی مطرح می‌شود، همه فکر می‌کنند من کارگردان تکنیکالی هستم که مدام فیلم‌های اکشن می‌سازم اما من تعداد زیادی فیلم غیراکشن و حتی ملودرام ساخته‌ام. مثل همان غیرعلنی که از آن گفتم، اما کسی آنها را یادش نیست و تعجبم این است که سریال هفت قسمتی گشت پلیس، يك دفعه به طور ویژه‌ای دیده می‌شود و شاید این شانس من است که با همان چند قسمت به اندازه ۳۰ قسمت دیده شد. در کنار اینها من حداقل چهار تله‌فیلم و با آچمز دو سریال کم‌دی ساخته‌ام اما در مجموع بله، تولیدات غیرکم‌دی بیشتر سنگینی می‌کند. با این حال درست است که هر کسی به يك گونه علاقه‌مندی‌هایی دارد اما من از آن کارگردان‌هایی هستم که دوست دارند فضاهای مختلف را تجربه کنند و این کار را هم انجام دادم.

این تغییر فضا کار مشکل نمی‌کند؟
من برای ساخت هر کدام از فیلم‌ها و مجموعه‌ها سعی می‌کنم تا مدت‌ها خودم را در جو مرتبط با آن اثر قرار دهم. مثلاً برای ساخت يك کار کم‌دی، فیلم‌هایی با این فضا را می‌بینم و مجلات و قصه‌های کم‌دی می‌خوانم تا حس و فضایی عوض شود.

می‌شود گفت آچمز به عنوان دومین سریال خندان شما، پخته‌تر از غیرعلنی است، خودتان هم این را حس می‌کنید؟
بله، وقتی گونه‌های مختلف را کار می‌کنی باید تجربه‌های گوناگونی داشته باشی و در این سریال می‌خواستم با اتفاقاتی کارها و تجربه‌های دیگری را رقم بزنم. نکته دیگری که وجود دارد هم این است که آچمز شرایط ساخت بهتری را نسبت به غیرعلنی به خاطر زمان داشت. تلویزیون خیلی دیر غیرعلنی را شروع کرد و به تهیه‌کننده، درخواست ساخت آن را داد. در ابتدا فقط يك طرح کلی داشتیم و از لحظه‌ای که به دفتر رفتم تا وقتی سریال روی آنتن رفت، در کل سه ماه زمان صرف شد یعنی کل مجموعه را خیلی فشرده در همان زمان نوشتیم، ساختیم و پخش

آچمز هم دومین مجموعه این سبکی اوست که داستانش از این قرار است: مصیّب پس از ۴۵ سال می‌فهمد که تنها فرزند خانواده نبوده است. او برای پیدا کردن گمشده سالیان دور مادرش، راهی تهران می‌شود اما خودش هم گمشده بزرگ‌تری دارد؛ عزت و احترام! مجبور است بین این دو گمشده یکی را انتخاب کند و همین داستان‌های پیچیده‌ای برایش به وجود می‌آورد که او را تبدیل به انسانی دیگر می‌کند.

هومن برق‌نورد، امیرحسین رستمی، سید مهراد ضیایی، احسان امانی، مهران رجایی، سارا خوئینی‌ها، بیتا سحرخیز و... برخی از بازیگران این سریال اند که سعید فرهادی آن را نوشته است. اما چه شد که مهرداد خوشبخت بعد از تله‌فیلم‌هایی که گاهی پرلخند بودند در حوزه سریال وارد این فضا شد، موضوعی بود که جرعه شروع گفت‌وگو ما را با او زد.

بله اما همین تغییر شخصیت هم در سریال جای سوال دارد، چون ما دیگر هیچ اثری از آن مصیّب نمی‌بینیم و او انگار به کل کنار گذاشته شده است. فکر می‌کنید این اندازه از تغییر و نوسان به درستی پیش رفته؟

بله، قبول دارم که در این بخش کمی سریع جلو رفتیم اما تجربه‌ای که جالب بود و می‌خواستم آن را انجام دهم، این بود که برخلاف کارهایی که یا جدی‌اند یا طنز یا فقط درام؛ اصرار نداشته باشیم که تمامش کم‌دی باشد. دوست داشتیم مفرح باشد بدون آن‌که خیلی خشن یا غمگین باشد، همه بتوانند نگاهش کنند اما می‌خواستم تا مثل زندگی واقعی که همه چیز در آن هست، پیش بروم. با همه اینها یکی از لطمه‌هایی که به مجموعه خورد به واسطه کوتاه کردن آن بود. ابتدا طرح اولیه قصه ۴۰ قسمت بود و تک‌تک آدم‌ها يك ماجرا داشتند؛ همه اینها حذف شد تا کار ۳۰ قسمت شود. داستان مصیّب هم چون باید به قسمت آخر می‌رسید، تندتر پیش رفت. این سریال در اصل نصف شده است.

چرا این حذف اتفاق افتاد؟
خود شبکه می‌خواست تا آن را ۳۰ قسمتی روی آنتن ببرد.

شما خیلی اوقات پند و هشداری را در باره مسائل مختلفی که در حوزه آپ و موارد دیگر وجود دارد، به بیننده می‌دهید؛ فکر می‌کنید این کار فایده‌ای هم دارد؟

بله، همین سریال ممکن است نشانه‌هایی را داشته باشد که کسی را وادار به تحقیق کند، همچنین خود مسؤولان هم به‌واسطه فرزند یا نزدیکانش در جریان مسائل مطرح شده قرار می‌گیرند. من چندین بار با این تأثیرگذاری روبه‌رو شده‌ام، به عنوان مثال ما در قسمتی از گشت پلیس مسائلی را مطرح کردیم که دیدم خانواده‌ها و مردم درباره‌اش حرف می‌زنند و همین تلنگرهای کوچک برای من کارگردان کافی است. با این حال باید برای چنین موضوعاتی يك جریان به راه بیفتد مثل بعضی از تیزرهایی که می‌بینیم بارها از تلویزیون پخش می‌شوند و خواه ناخواه فرهنگ‌سازی می‌کنند.

در کانسازی از سریال، بخشی بود که مصیّب برای

ادامه در صفحه ۶